

عنوان مقاله:

مشایان و نظریه مثل

محل انتشار:

فصلنامه آینه معرفت، دوره 9، شماره 4 (سال: 1388)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسنده:

محمد علی تیوای - دانشگاه پیام نور

خلاصه مقاله:

عالم عین از منظر افلاطون به دو دسته تقسیم می شود: ۱. عالم مثل، ۲. عالم محسوسات. ارائه نظریه مثل از سوی افلاطون مبتنی بر همین مبنا بوده است. به طور قطع می توان گفت افلاطون با ارائه این نظریه درصدد بود که به گمان خود بتواند پیدایی عالم محسوسات را با نظر به ناپایداری آن و قابل شناخت نبودن یقینی آن توجیه کند. نقادی های ارائه شده علیه نظریه مثل عمدتاً از سوی فلاسفه مشاست. ارسطو شاگرد و هم عصر افلاطون در مواجهه با این نظریه معتقد است: " قائل شدن به این نظریه نتایج غیر منطقی در پی خواهد داشت. " ابن سینا نیز با ارائه ارزیابی منفی از این نظریه، " آن را محصول دوره خامی اندیشه یونانی دانسته است و برای آن پشتوانه ای برهانی قائل نیست. " نگارنده درصدد است که با توجه به جایگاه نظریه مثل در اندیشه افلاطون، ضمن تقریر و ترسیم ناکارآمدی آن نزد ارسطو و ابن سینا در تبیین نظام پیدایی عالم، با گریز به براهین موید دیدگاه مثل، نشان دهد که نقدهای ارسطو و به ویژه ابن سینا تا چه اندازه موجه اند.

کلمات کلیدی:

مثل افلاطون، ارسطو، ابن سینا، عالم محسوسات، موجود مفارق، شناسایی، علیت، امکان اشرف

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1768106>

